

سرفراز گنجی
از آلمان

به بهانه اجلاس وسیع نیروهای ملی، دموکرات و مترقی افغانی در اروپا

در هفته های اخیر نظریات متنوعی در تارنما های ترقیخواه و دموکراسی طلب افغانی به نشر رسیدند که بیانگر حمایت از اجلاس وسیع نیرو های ملی، دموکرات و مترقی افغانی در اروپا و مشوره های برای مشارکت در این اجلاس و نحوه بهتر تدارک و برگزاری آن بودند. تردیدی وجود ندارد که در این راستا هر گامیکه بتواند از غلظت سایه تشتت و پراکنده گی حاکم بر جنبش دموکراتیک، مترقی و چپ افغانی در حد مقدور بکاهد و طریقی را با هدف جستجو و دریافت چاره های همسوئی و همیابی این نیرو ها طی کند شایسته تقدیر معنوی و پشتیبانی عملی است.

وضعیت امروز افغانستان گواهی می دهد که بعد از شش سال حاکمیت ارتجاع و انارشی جهادی- مافیائی - امریکائی، تلاش برخی نیرو های "دموکرات" که خواستند با تک روی سیاسی به آستان بوسی حاکمیت پوشالی بشتابند، در جهت هویت دهی قلبی آن همکار شوند و از این راه صفوف رزمنده گان تحول طلب و چپ دموکراتیک را به آشفتگی بکشانند، خود را عناصر ملی، عملگرا و اتحاد خواه و دیگران را متحجر ، دگم پرست ، افراطی و بیگانه از جامعه جلوه دهند و از این راه بازار یابی سیاسی کنند، به شکست فاحش روبرو گردیده است. اکنون دیگر به اثبات رسیده که نمی توان با بزرگ منشی بی پشتوانه و نعره های عوامفربانه مدنیت خواهی در شرایطی که ابتدائی ترین خواست مدنی هر شهروند افغان مبنی بر آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، رده های پائین

حکومت داران محلی تا قدمه های ولایت و لایه های بالایی زور سالاران مرکزی را به لرزه آورده خصم و خصم آنها را بر می انگیزد که انجامش سرکوب بی رحمانه آزاد اندیشان است و تکیه گاهی برای دفاع از قربانیان نیز سراغ نیست ، به نام مردم و دموکراسی فعالیت سیاسی کرد و یا خود را دور از واقعیت، حزب سیاسی سراسری نامید و با این تزویر در محافل ظاهر شد و طلب عزت و حرمت نمود + حزب سیاسی دموکراتیک و مردمی سراسری به آنی گویند که گر در سرایی، چه در واخان بدخشان، سید کرم پکتیا، ارغنداب قندهار، سروبی کابل، دهدادی مزار و یا دیگر گوشه و کنار کشور به حریم خانه فرد دست برد می شود و به جان و شرف انسان های متعلق آن تجاوز می گردد، اعضای این حزب سراسری صدای اعتراض بلند می کنند، بلوا و بغوا سر می دهند، دنیای آن محل را به شور می آورند تا حق تحویل حقدار شود + پرسشی به میان می آید که آیا نمونه ای از اینگونه عملکردها در افغانستان وجود دارد؟ پاسخ روشن است که ندارد، پس ادعای موجودیت حزب سیاسی دموکراتیک سراسری در افغانستان و ادعاهای دیگر از اینگونه عوامفریبی ای بیش نیست.

جامعه افغانستان به زخم گشوده ای می ماند که گندیده های ناشی از آن در دوام زمان به درد مزمن اجتماعی مبدل شده و تمام شرائین پیوند دهنده اجتماع را در اسارت خود نگه داشته است + از آمو تا تورخم و از پامیر تا هیرمند شبکه های سیطره دارند که مردم را به گروگان گرفته و هیچ مقاومت و مخالفتی در برابر خود احساس نمی کنند و باکی هم از پیدایش مخالفت و مقاومت ندارند چون می دانند که چنین حرکتی به میان نمی آید و اگر فردی زبان مخالفت می گشاید، از سوی شورای علما، مافیای جهادی و وزارت فرهنگ رژیم تازیانه بر سر می خورد تا خاموش گردد +

وقتی فضا تا این حد تیره و مکدر است نباید به نام حزب سراسری نا موجود یا همایش های نمایشی جلوه گری فریبنده کرد و با تظاهر و ریا در چشم مردم خاک ریخت، بلکه باید در کردار برای پیدایش واقعی آن دست بکار شد و رزمید + زحمتکشان افغانستان بخاطر دستیابی به حقوق خویش و بیرون آوردن جامعه از بحران به وسیله سیاسی -

حزب نیرومند سراسری نیاز دارند. پرحرفی در بارهٔ رفع بحران قبل از ایجاد ابزار رفع سازی آن به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

اگر نیروهای ملی، دموکرات، مترقی و چپ، همه باهم در صدد تکاپو و پیدایش مجراهای بیرونرفت از وضع فاجعه بار کنونی البته نه از طریق شعارها به نرخ روز، همایش ها و تجمعات ظاهر فریبانه، شتابزده و خودنمائی های سیاسی بلکه با برخورد مسئولانه در قبال ملتی که کارد به استخوانش رسیده است، نگردند، خود را جمع و جور نمایند، دیدگاه های شفاف پیرامون وضع اسفبار موجود و عوامل اساسی بروز آن پی ریزی نکنند و بررسی راه های تشکیل ابزار لازم را که همانا بسیج و اتحاد نیروها در یک گردان نیرومند سیاسی است بطور جدی و هدفمند در دستور روز قرار ندهند فرصت از دست می رود و آنگاه جستجوی کوتاه گر در وجود همدیگر سودی نخواهد داشت.

اقدام تدارک و برگزاری سیمینار "وحدت نیروهای چپ افغانی" به ابتکار نهضت آینده افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۷ دقیقاً از همین ضرورت منشأ می گیرد تا نیروهای ترقیخواه، دموکرات و چپ افغانستان در بارهٔ وضع موجود کشور به گفتمان بپردازند و راه های تشکیل، تحکیم و گسترش جنبش چپ و دموکراتیک افغانی را جستجو نمایند. زمانیکه یکماه واندی پیش مسئله برگزاری «اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا» مطرح گردید نهضت آینده افغانستان با درک عمیق ضرورت بسیج و اتحاد نیروهای مترقی طی اعلامیه ای بتاريخ ۱۲ اپریل ۲۰۰۸ به تقاضای برخی اعضای کمیسیون تدویر اجلاس وسیع مورد نظر مبنی بر شرکت نهضت افغانستان در آن، پاسخ مثبت داده آماده گی خود را برای همکاری مشترک در زمینه ابراز نمود. نهضت آینده افغانستان پیشنهاد کرد تا به مقصد برگزاری بهتر و مؤثرتر گرد همائی مطروحه، تدویر "اجلاس وسیع . . ." به تعویق افتد، کمیسیون واحدی ایجاد گردد و هردو گرد همائی را به گرد همائی واحد مبدل سازد "تا باشد حد اکثر سازمان ها، نیروها و شخصیت های چپ، دموکرات و مترقی در آن شرکت کرده و آنرا به یک مقطع جدیدی برای تسریع روند شکل جنبش دموکراتیک افغانستان مبدل" نمایند. به دنبال آن

شماری دیگری از ترقیخواهان افغان منجمله "کمیسیون موقت تفاهم و وحدت اعضای حزب وطن (ح د خ ا) در هامبورگ" و برخی شخصیت های مستقل سیاسی به سخنگویی محترم سرور منگل نیز مطالبهء تجدید نظر بر ترکیب کمیسیون، زمان و محل برگزاری اجلاس و گفتگوی بیشتر برای رسیدن به تفاهم لازم در این زمینه را نموده اند.

مبرهن است که پیشنهادات سالم و سازندهء بالا برای آن پیشکش گردید تا اجلاس وسیع نامبرده که در حال حاضر از نظر شکل و محتوی جز نشست پنج سازمان سیاسی سجل شده در دفاتر جمهوری اسلامی چیز دیگری را افاده نمی دهد و نمی تواند ممثل یک گرد همائی وسیع نیرو های ملی، مترقی و دموکرات افغانستان که در برگیرندهء ده ها تشکل و سازمان و شمار فراوان شخصیت های مستقل سیاسی برخاسته از چپ دیروز و مخالف با نظام پوشالی امروز اند گردد، به یک تدبیر اثر گذار و ثمربخش و به مفهوم واقعی واژه ها به یک نشست وسیع نیروهای ملی، دموکرات، مترقی و چپ در واقعیت امر مبدل شود.

امر مایهء تعجب اینکه کمیسیون تدارک و برگزاری "اجلاس وسیع . . ."، بجای ارزیابی دقیق و پذیرش پیشنهادات نهضت آیندهء افغانستان و دیگر نیرو های ترقیخواه و دموکرات و یا ارایهء طرح های معقول تر، پیشنهادات ارایه شده را در یک اعلامیهء کوتاه بدون توضیح قناعت بخش و مستدل سیاسی "مقدور نمیداند" و رد می کند. "کمیسیون تدارک اجلاس وسیع . . ." از حمایت نهضت آیندهء افغانستان استقبال به عمل می آورد و از "ایشان" دعوت می نماید که در کار اجلاس شرکت ورزند. اینگونه برخورد، "حرف های شما را قبول نداریم، اگر می آئید بیائید، نمی آئید کار شماست"، معنی می دهد و تنها می تواند بیان روشن رفتار بهرام گور گونهء "منم آن شیر یله - منم آن پیر گله" تلقی گردد، برداشت دیگری نمی شود از آن کرد.

حال، داوری بر رفقا و دوستان ما است تا تصویر درستی از وقایع جاری در خانوادهء پراکندهء دموکرات های افغانی مقیم اروپا بدست آرند و تابع عواطفی در بسا موارد

فریبنده نگردند+ شاید برگزارکننده گان "اجلاس وسیع . . ." اهدافی را دنبال نمایند که خود در تصور دارند و دیگران از آن بی خبر اند+

به عنوان حرف پایانی عرض می گردد که تا ما بر قلعهء غرور میانتهی خود ساختهء مان غالب نشویم، بازار فضل و فخر فروشی فرسخ ها بعید از درد و رنج ملیون ها شهروند فرو دست جامعه را نبندیم و راه سالم و عاری از تکبر سیاسی را بر نگزینیم غوغا اندازی ما در هر شکل و فورمی که تبارز یابد به جایی نمی رسد+ آنهای که قلب شان بخاطر تهیدستان و زحمتکشان کشور می طپد رسالت تاریخی دارند تا نهضت آیندهء افغانستان را در تحقق برنامه های هدفمندانه اش یاری رسانند+

17042008